



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بہ سوی  
دولت کریمہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# به سوی دولت کریمه

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	به سوی دولت کریمه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه ناشر
۸	سخنی با منتظران ظهور
۱۴	امداد غیبی و ویژگیهای جامعه موعود
۱۹	قوانین حاکم قوانین و احکام اسلام است
۲۰	حاکم خلیفه الله و امام زمان است
۲۳	امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه ای وجود ندارد
۳۰	حذف تجمل گرایی
۳۸	امنیت و صلح عمومی
۳۹	شکوفایی وضع اقتصادی
۳۹	همه خدا را می پرستند
۴۸	قسط و عدل جهانی
۵۱	به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه
۵۴	درباره مرکز

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله ۱۲۹۷ -

عنوان و نام پدیدآور: به سوی دولت کریمه / لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.

فروست: سلسله مباحث امامت و مهدویت ۱۴.

شابک: ۶۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۳۰۸-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: مدینه فاضله - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: مهدویت

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۲ /ص ۲۴ ب ۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۹۵۵۴۷

### مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس خداوند جل و علی را که عنایت نمود در آستانه یک هزار و یکصد و شصت و دومین سالروز ولادت پر برکت حضرت ولی عصر حجه ابن الحسن العسکری ارواحنا فداه چهارده اثر از سلسله مباحث امامت و مهدویت به قلم حامی و مروج مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و نگهبان مخلص مرزهای عقیده، مرجع عالی قدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (مد ظله العالی) را به منتظران و شیفتگان لقای آن حضرت تقدیم نماییم. این آثار گران قدر شامل بحثها، پرسشها و پاسخهای گوناگون پیرامون زندگی، خصائص، اوصاف، غیبت و ظهور آن حضرت، توسط آن

مرجع بزرگ در سنوات گذشته در مناسبتها و فرصت هایی پیرامون موضوع بسیار ارزنده و بنیادین

[صفحه ۶]

ولایت و امامت عامه و خاصه خصوص امامت و مهدویت حضرت بقیه الله مولانا حجه بن الحسن العسکری ارواح العالمین  
لتراب مقدمه الفداه تالیف و بوسیله ناشران معتبر کشور مکررا چاپ و نشر گردیده است. چهاردهمین اثر از این سلسله مباحث  
به نام بسوی دولت کریمه است، امیدواریم چاپ این کتاب شریف مورد رضای خداوند متعال و منظور نظر کیمیا اثر حضرت  
بقیه الله

مهدی موعود - عجل الله تعالى فرجه الشريف - و عاكفان عتبه مقدس آن غوث زمان و قطب جهان قرار گیرد. بمنه و كرمه  
انتشارات حضرت معصومه عليها السلام ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۱۷

[صفحه ۷]

### سخنی با منتظران ظهور

برادر و خواهر عزیز که روز و شب در انتظار ظهور آقا و مولایت و مولای همه، حضرت صاحب الامر مهدی علیه السلام هستی، بیاد آن زمان و آن عصر الهی اشک شوق می ریزی و آرزو می کنی در التزام رکاب آن حضرت به درجه رفیع شهادت برسی، در روزهای عید فطر و قربان و غدیر و هر روز جمعه دعای ندبه [۱] را عاشقانه با آن شور و سوز و گریه و ندبه می خوانی و با هر وسیله ممکن می خواهی ارتباط خود را با آن حجت خدا، زنده و زنده تر سازی. درود بر تو و آفرین بر احساسات پاک و تابناک (ثبتک الله علی هذه الحاله النوریه الروحانیه لقد فزت فوزا عظیما). عزیزان منتظر: شما که بحق، رضای امام زمان (ارواحنا فداه) را فوز

[صفحه ۸]

اکبر می دانید ویژگیهایی که در این نوشتار می خوانید برخی از خصوصیات نظام و جامعه ای است که شما منتظر آن هستید، هر کس در خط ولایت و انتظار قدم بر می دارد باید آن ویژگیها را بشناسد و خودش را با توجه به آنها بطوری که لایق عضویت در آن جامعه جهانی و الهی شود، بسازد، باید همه این ویژگیها را دوست داشته و برای تحقق آنها در جامعه و کشور و شهرش تلاش نماید، کسانی که به ارزشهای ضد آن جامعه جهانی گرایش دارند باید



در وضع خود تجدید نظر کنند و با گرایش به ارزشهای اسلامی صداقت خود را در دعوی انتظار نشان بدهند و با اجرای احکام الله و اقامه عدل و قسط و احقاق حقوق و ساده زیستن و حفظ شخصیت اسلامی خود رضای آن آقای عزیز و موعود انبیاء را فراهم نمایند. (اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله). [۲] خداوند ما دولت با کرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که با آن اسلام و اهلش را عزیز گردانی. یکی از برنامه های مهم رسالات انبیاء خصوصا رسالت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم سوق دادن جامعه اسلامی بسوی امت واحده و دولت عدل جهانی است که این برنامه در متن دعوت اسلام قرار گرفته و بطور حتم و یقین با ظهور حضرت مهدی (صلوات الله و سلامه علیه) این جامعه و حکومت برقرار می شود و دنیا تحت یک نظام و قانون واحد و

[صفحه ۹]

امت واحده اداره خواهد شد، این وعده الهی است که قرآن کریم و احادیث بسیار و متواتر بر آن دلالت و صراحت دارند. از جمله در سوره توبه آیه (۳۳) و در سوره صف آیه (۹) می فرماید: (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله). او (خدا) کسی است که پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا اینکه دین حق را بر هر دین دیگر غالب نماید. که اهل ادب می دانند اگر لام در لیظهره لام غایت و نهایت باشد، مفاد آیه این است که این دین حق پیش می رود تا خدا

آن را به نهایت کمال برساند و بر همه ادیان غالب گرداند و اگر لام برای تعلیل باشد باز هم علت غائی فرستادن پیامبر را که غلبه یافتن دین او بر همه ادیان است بیان می نماید. و نیز در همین دو سوره وعده می دهد که تلاشهای کفار که می خواهند با دهان های خود نور خدا را خاموش کنند، نقش بر آب و بی نتیجه خواهد شد و خدا نورش را تمام و کامل می گرداند. در سوره انبیاء، نور، قصص، الصافات و در سوره های دیگر قرآن، آیات متضمن وعده و بشارت به این ظهور و این حکومت الهی بسیار است. و در احادیث معتبر که در جوامع حدیث و صحاح و مسانید شیعه و سنی روایت شده، نیز این وعده به صراحت داده شده است. در تاکید بر حتمیت این ظهور و اینکه وقوع آن هر چند به تاخیر افتد، تخلف ناپذیر است، یکی از روایات معروف که اشعار به امتداد

[صفحه ۱۰]

بسیار طولانی زمان قبل از ظهور دارد به این مضمون است: اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن قدر آن را طولانی و دراز می نماید تا امام موعود ظهور نماید و عالم را پر از قسط و عدل نماید چنانکه پر از ظلم و جور شده است [۳] بدیهی است شخص مومن بخدا و رسول، نه وقوع این ظهور را استبعاد می نماید، چون خداوند متعال بر هر امری قادر و تواناست، خدائی که این عوالم بزرگ و کوچک و این میلیاردها و میلیاردها کهکشانشها و منظومه ها را آفریده و عجایب و نیروهائی که

در ذرات این عالم و اتم ها خلق کرده است، عقل بشر را به حیرت انداخته و کوچکترین مخلوق او اندیشه های همه کاوشگران را بخود مشغول ساخته است، قادر است مقدمات و تمام اسباب این ظهور را فراهم نماید، و نه در صدق پیامبری که وعده های بسیارش از غیب و آینده جهان و اشخاص بوقوع پیوسته، شک و تردید می نماید. واضح است زمینه تصدیق پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وقوع این همه خبرهای غیبی قرآن کریم و خود آن حضرت و امیرالمومنین علی علیه السلام برای کسانی که در بسیاری از این وعده ها صدق آن حضرت را تجربه کرده و درک نموده اند به مراتب زیادتر و وسیعتر از آغاز ظهور اسلام و اعلام این وعده هاست، مع ذلک، مسلمانان مومن و روشن دل که به آن حضرت ایمان آورده بودند به همه وعده های آن حضرت ایمان محکم داشتند.

[صفحه ۱۱]

توضیحا اضافه می شود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آغاز بعثت و هنگامی که خودش بود و غیر از فرزند عزیز و نورسته عمویش ابوطالب و همسر بیدار دل و آگاهش خدیجه علیهم السلام که علنا ایمان و همبستگی خود را به او اعلام می کردند و غیر از ابوطالب که یگانه حامی و پشتیبان و مدافع او بود و ایمان خود را مانند مومن آل فرعون کتمان می کرد و به عبارت صحیح تر کمتر بزبان می آورد، طرفدار و همراه و یار و یآوری نداشت و همه سران کفار و بت پرستان و گردنکشان قریش و همه

دنیا در برابر او بودند و دعوت او را به مسخره و استهزاء می گرفتند و نفوذ او را در یک روستا و یک قبیله باور نمی کردند، مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می کرد که بگوئید (لا-اله الا-الله) تا مستکبران و ابر قدرتهای جهان را از مرکب استکبار و قدرت پیاده کرده، خلع سلاح نمائید و گنجها و خزائن آنها را انفاق نمائید و... برای بسیاری و همه غیر از آن چهار نفر (شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ابوطالب و علی و خدیجه علیهم السلام)، این وعده ها از سوی کسی که در شهر و محله خودش در معرض اذیت و آزار است و قوم و قبیله اش با او بشدت به ضدیت برخاسته و هیچ لشکر و سپاه و تجهیزات و امکانات مادی در اختیار ندارد، باور کردنی و به اصطلاح امروز واقع بینانه و دور اندیشانه نبود ولی همان مردم دیدند که زمان بسرعت گذشت و در مدت کوتاه بیست و سه سال عصر رسالت، اسلام مشکلات بسیار بزرگی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت همه اقوام و قبایل را به دین خدا خواند و همه فوج فوج به اسلام گرویدند و عادات ناپسندی که شمشیر و زور هیچ امپراتوری نمی توانست تغییر دهد متروک و فراموش شد. زنها که در آن جامعه ضد انسانی زنده به گور می شدند آزاد شدند، ربا و قمار و میگساری و فحشاء و آدم کشی و راهزنی همه منسوخ گردید و

[صفحه ۱۲]

جای خود را به اخلاق و روشهای انسانی داد و از

همه مهمتر و بالاتر کیش بت پرستی که با خون و جان مردم در آمیخته بود محو نابود و همه بتها شکسته و معدوم گردید و دین توحید، آن دل‌های سخت و تیره را نرم و روشن نمود و صدای دلنواز (اشهد ان لا اله الا الله) پرده‌های شرک را پاره کرد، علاوه بر مکه و مدینه تمام شبه جزیره در قلمرو نظام الهی اسلام قرار گرفت و دعوت آن حضرت دل‌ها را مسخر نمود و به آینده امیدوار ساخت پس از آن هم قلمرو نفوذ اسلام آن گونه گسترش یافت و اسلام دل‌های مثل مردم هوشمند ایران را که از مظالم نظام استبدادی شاهنشاهی و تبعیضات طبقاتی به ستوه آمده بود فتح نمود که یک قرن نگذشته اسلام از شرق تا دیوار چین و از سوی غرب به دریای آتلانتیک رسید، با این رویدادها، همه صدق دعوت پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و قوت دعوت و نفوذ رسالت او را که از پشت پرده‌های ضخیم عادات و تعصبات و اخلاق زشت به درون قلوب وارد می شد و مردم را منقلب و شیفته و دل‌باخته اسلام می ساخت، همواره ظاهر می شد و مسلمانان با اطمینان به اینکه آتیه روشن و تابناکی در پیش دارند به جلو می رفتند و از ممالک و انبوه لشکریان تا دندان مسلح ایران و روم و آن همه تشریفات رعب آمیز نمی هراسیدند. این وقایع که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبر داده بود صدق دعوت آن حضرت را بر همگان آشکار و آشکار تر ساخت

و باورها را به نبوت و رسالت محکم تر نمود و همه را در انتظار وقوع این وعده قرآنی که اسلام بر همه ادیان غالب و حکومت عدل الهی جهانی برقرار خواهد شد قرار داد، حصول آن همه وعده ها و وقوع آن همه خبرهای غیبی را همه دیدند حصول این وعده را نیز همگان خواهند دید. انشاء الله

[صفحه ۱۵]

پاورقی

[۱] دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید شیعه و تاسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام... منقول است که سنت است که این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند (یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر). زاد المعاد علامه مجلسی رحمه الله ط اسلامیة، ص ۴۹۱.

[۲] مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ط شرکت سهامی طبع کتاب تهران، ص ۳۵، دعای افتتاح.

[۳] مراجعه شود به مجموعه احادیث در این مورد به کتاب معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۱، احادیث النبی صلی الله علیه و آله و سلم.

### **امداد غیبی و ویژگیهای جامعه موعود**

بر حسب آنچه از آیات و احادیث استفاده می شود این ظهور پس از امتحانات شدید و رفتن بسیار به مدد الهی همراه با معجزات و خوارق عادات و آیات بزرگ، تحقق می یابد و ویژگی هائی که دارد اگر چه تمام در ضمن تعالیم اسلام بیان شده است و برخی از آن ویژگیها را در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرالمومنین علی علیه السلام مشاهده می کنیم ولی فعلیت تمام آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت. شناخت این ویژگیها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام علیه

السلام دارای اصالت و اهمیت است، تا آن جا که در خبر مشهور بین مسلمین از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می شود: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد مرده است به مردن جاهلیت. [۱] و فخر رازی روایت می کند از آن حضرت: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، فلیمت ان شاء

[صفحه ۱۶]

یهودیا و ان شاء نصرانیا. (بمیرد اگر می خواهد یهودی و اگر می خواهد نصرانی). [۲] و از نظر اسلام شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسائل مهم دیگر نیز ارزنده و مفید است. و از این نظر که آن جامعه و آن نظام، جامعه و نظام کامل اسلامی و تمام شرعی است، نظامی الگو و اسوه و معیار و میزان است و جوامع کوچک یا بزرگ هر چه به آن همانند تر و شباهت بیشتر داشته باشند مشروعیت بیشتر دارند. شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید بسوی آن داشته باشند مفید و سودمند است. و بالاخره از این لحاظ که مومنان به آن ظهور و وعده الهی مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع ناامید نمی شوند و در میان طوفانهای شدائد و سختیهای قوی القلب، با ایمان، استوار و محکم، به آینده امیدوار و با قاطعیت بسوی

[صفحه ۱۷]

جلو قدم بر می دارند و بر کوشش و تلاش و اقدام خود می افزایند، شایان

اهمیت است. از همه این جهات و ابعاد دیگر شناخت این جامعه به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان کمک می نماید، اما در این گفتار به این فائده و وظیفه بزرگ نظر و اشارت داریم که چنین جامعه یگانه ای را که انبیاء گذشته بشارت آن را داده اند و آیات قرآن مجید و روایات متواتر به تحقق آن با صراحت تاکید دارند و آن را اوج کمال اجتماع بشری و نظام عدل کامل الهی معرفی کرده اند، باید هر کس به آن معتقد است، بسوی آن گام بردارد و ویژگیهای آن را در خود و جامعه متجلی سازد. باید فاصله را با آن کم کرد و با تلاش و مجاهده به آن نزدیک و نزدیکتر شد. باید از اینکه فاصله ما و جامعه مان با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود و از او دور باشیم به شدت پرهیز کنیم. باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است ترک کنیم و برای قبول شدن در چنان جامعه ای خود را بسازیم و تلاش نمائیم و این است معنای صحیح انتظار. اصلاً یکی از فوائد بزرگ معرفت پیغمبر و امام و یکی از حکمت های گزینش پیغمبر و امام از خود بشر همین است که آنها اسوه باشند و رفتار و روش و سیره آنها - علاوه بر گفتار و تعلیمات قولی آنان هم -

[صفحه ۱۸]

راهنمای زندگی باشد که در قرآن مجید می فرماید: (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه). [۳] البته شما را



در اقتدا کردن به رسول خدا خیر و سعادت بسیار است. و هم می فرماید: (و لو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا و للبسنا علیهم ما یلبسون). [۴] چنانچه فرشته ای نیز به رسالت بفرستیم هم او را بصورت بشری در آوردیم و بر آنان همان لباس که مردمان بپوشند می پوشانیم بلکه در معرفت خداوند متعال که بالذات کمال انسان است و نهایت همه کمالات است و بالاتر از آن کمالی نیست، همین کیفیت برای شخص خداشناس ارزنده است که با معرفت باسماء الحسنی و صفات علیای الهی چنانکه فرموده اند: تخلقوا باخلاق الله تخلق به این اسماء و صفات را وجهه همت قرار می دهد، مثلا چنان که خداوند ستار العیوب و غفار الذنوب و حلیم و علیم و بخشنده و مهربان و شکور و محسن و... است بنده خدا شناس و کمال دوست او نیز خود را به این صفات متحلی می سازد. معرفت امام وقت و صاحب عصر و ولی امر و آن موعود عظیم الشان انبیاء نیز باید همین اثر را داشته باشد و کیمیائی باشد که مس وجود دوست و منتظران او را به طلای اصل و خالص

[صفحه ۱۹]

مبدل نماید. باید در شخص عارف به آن حضرت و سیره و اعمال و برنامه های آن بزرگوار، عملا علاقه به آن اخلاق و آن روش ظاهر باشد که از صمیم جان مشتاق حضور و عضویت در آن جامعه موعود باشد. بنابر این معرفت امام عصر حضرت مهدی موعود (ارواح العالمین له الفداء) و شناخت ویژگیها ظهور و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می کند و

جامعه ای را که بوجود می آورد برای ما که در عصر غیبت و عصر امتحان زندگی می کنیم، بسیار سودمند و لازم است. هم راهنما و خط دهنده است و هم عامل مهمی در بازسازی از خطا و گناه و اخلاق ناپسند و هم مشوق میل و اقبال به کارهای نیک و عدالت و التزام و احترام به نظامات شرعیه است.

تذکر لازم

پیش از اینکه به بیان ویژگیهای جامعه موعود پردازیم، این تذکر لازم است که ویژگیهای جامعه جهانی اسلامی، ویژگیهای نظام و جامعه اسلامی است که باید در جهان برقرار شود و هدفهای بعثت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم است، آن جامعه جهانی ادامه تحقق اهداف انقلاب عظیم اسلام است. آنچه از این ویژگیها تا کنون تحقق نیافته یا بطور کامل حاصل نشده

[صفحه ۲۰]

است بواسطه فقدان شرایط خارجی یا موانع است، رسیدن جامعه به آن جامعه جهانی، سیر اسلام و دعوت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که چنانکه اشاره شد این رسالت و دعوت به آن نقطه کمال و فعلیت اهدافی که داشته و دارد خواهد رسید. (و ما ذلک علی الله بعزیز).

[صفحه ۲۱]

پاورقی

[۱] غیبت نعمانی، ط مکتبه الصدوق، ص ۱۲۹، حدیث ۶.

[۲] قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من مات و لم يعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا. هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد پس باید بمیرد اگر می خواهد یهودی و اگر می خواهد نصرانی. رساله المسائل الخمسون فخر رازی، ص ۳۸۴،

مسئله ۴۷ (این رساله در ضمن کتابی بنام مجموعه الرسائل در مصر به سال ۱۳۲۸ ه ق چاپ شده است).

[۳] سوره احزاب آیه ۲۱.

[۴] سوره انعام آیه ۹.

### قوانین حاکم قوانین و احکام اسلام است

قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که بوسیله وحی اعلام شده و احدی نمی تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که حلال محمد صلی الله علیه و آله و سلم حلال الی یوم القیامه و حرام محمد صلی الله علیه و آله و سلم حرم الی یوم القیامه. باید همگان خصوصا هیئت حاکمه در این خط مستقیم با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند و هوی و سلیقه های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند چنانکه در حدیث است از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که می فرمایند: لا یكون العبد مومنا حتی یكون هواه تبعاً لما جئت و لا یزیغ عنه به. بنده ای مومن نخواهد بود تا هوی و خواست او تابع آنچه من

[صفحه ۲۲]

آورده ام، باشد و از آن مایل نشود. جلوه های بسیاری از این احساس مسئولیت و خوف از خدا را در ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع و حقوق مردم مخصوصا محرومان و مستضعفان و طبقات بظاهر پائین اجتماع در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین علی علیه السلام، دنیا مشاهده کرد که با اینکه در اداء تکالیف و وظایف خود ذره ای کوتاهی ننموده اند، از این مسئولیت زمامداری بشدت نگران بوده و می گریستند و نشان

دادند که در نظام اسلام اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود هیچ انگیزه ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن بر نمی انگیخت. در اینجا در رابطه با زمامداری و مدیریت ها در سطوح مختلف درسهای بسیار آموزنده در سیره پیغمبر و امیرالمومنین علی (علیهما الصلاه و السلام) داریم که متأسفانه بخاطر طولانی شدن کلام از بیان آنها معذوریم.

[صفحه ۲۳]

### حاکم خلیفه الله و امام زمان است

حاکم و رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی مانند نظام مدینه در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نظام کوفه در عصر امیرالمومنین علی علیه السلام نائب خدا و خلیفه الله است که عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی است، در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات و عزل و نصب و تصرف در بیت المال الگو و نمونه و آئینه تمام نمای قوانین عدل و قسط اسلام است، صفتی که بر حسب دلائل محکم عقلی و نقلی که از جمله علامه حلی [۱] قدس سره در الفین، یک هزار دلیل بر آن اقامه فرموده است، باید امام و خلیفه خدا و رهبر جامعه به آن متصف و متحلی باشد و در این امت برای احدی غیر از فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه اثنی عشر علیهم السلام که امامت و خلافت آنها بر حسب صدها حدیث معتبر منصوص است، قابل اثبات نیست. و از جمله آیاتی که به آنها بر لزوم صلاحیت علمی،

[صفحه ۲۴]

عملی و اخلاقی رهبر آن نظام منصوص که یگانه نظام مشروع است استناد شده است، این آیات است:

۱- (ا فمن

یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی). [۲] آیا کسی که راه می نماید (مردم را) بسوی حق، سزاوارتر است که از او پیروی کنند یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آن که راهنمایش کنند.

۲- (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون). [۳] آیا یکسانند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند. (و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاطمه قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین). [۴] (بیاد آور) زمانی که آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند پس او بانجام رسانید آنها را، خدا گفت البته من قرار دادم ترا برای مردم پیشوا (در دین) ابراهیم گفت و از فرزندان من نیز (چنین فرما) خدا گفت نرسد عهد من (که امامت است) به ستمکاران. بدیهی است مقام امامت که اعظم مناصب و خلافت الله است به کسی اعطاء می شود که از همه صالح تر و عالم تر و پاک تر باشد و سوابق سوء و

[صفحه ۲۵]

انحراف از حق در پرونده زندگیش ثبت نشده باشد. در این نظام، در گزینش برای مقامات پائین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است و با وجود اصلح و الیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی اعطاء نمی شود. از خیانت‌های بزرگ در دایره این نظام این است که مقام و منصبی به کسی اعطاء شود در حالی که شخص دیگری برای تصدی آن مقام صالح تر از او باشد چنانکه قبول هر مقام و منصب با علم به

صلاحیت و کفایت بیشتر دیگری نیز جایز نیست و در نظام اسلام هیچ کس خود را به جای صالح تر از خود معرفی نمی کند و نامزد مقامی که صالح تر از او برای آن نامزد شده است نمی نماید، اگر هم به او پیشنهاد کنند، مردم را به اصلح از خود راهنمایی می نماید. این روشی است که در جوامع کنونی غیر مسلمان دنیا اصلاً دیده نمی شود و در جوامع اسلامی هم بندرت مشاهده می شود و در پایان این بند مناسب است به سخن جامع و کامل خلیل بن احمد [۵] اشاره کنیم که از او پرسیدند: دلیل بر امامت علی علیه السلام بر کل امت چیست؟

[صفحه ۲۶]

آن مرد بزرگ این گونه پاسخ داد: احتیاج الكل اليه و نائه عن الكل دليل على انه امام الكل. محتاج بودن همه به وی (حضرت علی علیه السلام) و بی نیازی او از همه کس، دلیل آن است که او امام و پیشوای همه است.

[صفحه ۲۷]

پاورقی

[۱] شرح حال علامه حلی در تمام کتابهای رجال و تراجم و معاجم مضبوط است.

[۲] سوره یونس آیه ۳۵.

[۳] سوره زمر آیه ۹.

[۴] سوره بقره آیه ۱۲۴.

[۵] در مورد خلیل بن احمد مراجعه شود به لغت نام دهخدا و تاسیس الشیعه ص ۱۵۰ تا ۱۵۴ و ص ۱۷۸ و ۱۷۹ و نور القبس ص ۵۶ و ۵۷ که در آن کتاب، مولف در ضمن ترجمه او، کلام ممتاز دیگری از خلیل بن احمد در بیان برتری امیرالمومنین علی علیه السلام بر سایر اصحاب و تشاکل با یک دیگر و تفرد امام علیه

السلام به خصائص عالی نقل نموده است.

## امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه ای وجود ندارد

امتیازات نژادی و طبقه ای و صنفی و القاب و عناوین ظاهری در جامعه اسلامی که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود ملغی و بی اعتبار است، در برابر قانون همه باهم برابرند، عالم با جاهل، عادل با فاسق، والی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسی با هر شخص عادی و متعارف مساوی هستند، مثلا حکم قتل عمد، قصاص و شبه عمد و خطا دیه است، قاتل هر کس که باشد و مقتول هم هر کس باشد و همچنین حکم خدا در مورد سارق با شرایطی که در فقه بیان شده، قطع دست است و حکم زانی رجم یا جلدست، سارق و زانی، هر کس و فرزند هر کس و صاحب هر سابقه و وابسته به هر کس و هر فامیل باشد حکم هرگز، تفاوت نخواهد کرد. این ویژگی آن جامعه بزرگ اسلامی را در سیره شخص پیغمبر

[صفحه ۲۸]

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین علی علیه السلام در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید در این دو جامعه احکام اسلام نسبت به همگان علی السواء اجرا می شود. همان طور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار سفید و بنده در کنار مولی یا در صف مقدم قرار می گرفت در اجراء احکام سیاسی و انتظامی نیز به همه علی السواء نگاه می شد و حتی به مجالست و معاشرت با فقراء بیشتر رغبت نشان می دادند و آن را عامل تربیت و توانمندی روح و موجب تقرب بخدا می دانستند و به

عکس مجالست با اغنیاء و توانگران و مرفهان را که نسبت به اسلام و مسلمین و اوضاع اجتماعی بی تفاوت بودند موجب دل مردگی و سقوط انسان می شمردند. بر حسب قرآن مجید و تفاسیر، ملاء و سران قریش از حضرت تقاضا کردند که از فقراء و طبقات پائین اجتماع فاصله بگیرد زیرا حضور آنها را با خودشان خلاف شان و اعتبار پوچ خود می دانستند، حضرت نپذیرفت پس پیشنهاد دادند که مجلس آنها با مجلس این به اصطلاح اشراف از هم جدا باشد، این آیه نازل شد: (و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه و لا تعد عیناک عنهم ترید زینه الحیاه الدنیا و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان امره فرطاً). [۱] خودت را با آنها که خدا را در بامداد و شامگاه می خوانند و وجه او (قرب رضای او) را می خواهند شکیباً بدار و چشمهایت را از آنها

[صفحه ۲۹]

بر نگردان در حالی که خواستار زینت زندگی دنیا باشی، و اطاعت نکن کسی که دلش را از یادمان غافل کرده ایم (و از لذت یاد خودمان محروم ساخته ایم) و پیروی هوای خود کرده و کارش از حد گذشته و در افراط افتاده است. معروف و مشهور و در احادیث به این مضمون رسیده است که: روزی یک نفر از اغنیاء نشست، یکی از فقراء وارد شد و در کنار او نشست، مرد ثروتمند خود را جمع کرد - مثل بعضی از اهل رفاه و ثروتمندان زمان ما که از تماس با فقراء و زبردستان و همنشینی و



همگامی با آنها پرهیز می نمایند و آن را کسر شان خود می دانند - پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از این کار او ناخرسند شده فرمودند: ترسیدی از فقر او چیزی بتو برسد یا از مال و ثروت تو به او چیزی برسد. مرد از آن موعظه بیدار و هشیار شد، عرض کرد: به کفاره این عمل نصف یا تمام مالم را به او بخشیدم. مرد فقیر نپذیرفت گفت: می ترسم بمن آن وارد شود که بر تو وارد شده بود. [۲] یکی از خصائص و فضائل امیرالمومنین علی علیه السلام این است که خداوند به او دوستی محرومان و فقراء را عطا کرده بود و آنها هم آن حضرت را دوست می داشتند. یکی از نمایشهای این تساوی، تواضع آن بزرگواران و مظاهر حضور

[صفحه ۳۰]

آنها در اجتماع است که هیچ گونه تشریفاتی نداشتند، مانند فردی عادی بودند. در این ویژگی توجه همه خصوصا ارباب مناصب و مقامات را به اختصار به جلوه هائی چند از دوری از تشریفات و پرهیز از مظاهر و فاصله از مردم جلب می نمائیم. در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همه آن حکایتها ساده زیستن و زهد و بی امتیازی به بیان شیوای امیرالمومنین علی علیه السلام در توصیف آن اکتفا می کنیم. بخوانید و زندگی ارباب جاه و مناصب دنیا و کاخ سفید و کرمین و بوگینکهام و الیزه و همه و همه و همه جا و اختصاصات و تشریفات این کاخ نشین ها و هواپیماهای اختصاصی و خودروهای آن چنانی و هزار و یک امتیاز دیگر

را در نظر بگیرید و تعجب کنید. آری اینها مردان دنیا و انسانهای بی محتوایی هستند که اگر آن تشریفات را نداشته باشند و این جاه و جلالهای ظاهری را به رخ مردم نکشند هیچ کس برای آنها حسابی باز نمی کند. اما مردان خدا و رجال الهی به این ظواهر نیاز ندارند، عظمت روح آنها مردم را مسخر آنها و تحت نفوذ آنها قرار می دهد. کلام گهربار امیرالمومنین علی علیه السلام در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار آموزنده است، از خوانندگان خواهشمند است مکرر آن را بخوانند و در آن تامل نمایند. هرگز ارباب قدرت ظاهری و وابستگان به تشریفات، نمی توانند باور کنند که مردی با این ظهور و حضور در صحنه اجتماع بتواند آن انقلاب بی مانند فکری و سیاسی و اجتماع را به این استحکام پایه ریزی نماید، که امروز پس از هزار و چهارصد سال، راه او همچنان در دنیا زنده و استحکام و استواریش هر روز بیش از پیش ظاهرتر می شود. این اوصافی که امیرالمومنین علی علیه السلام بیان می نماید اوصاف آورنده

[صفحه ۳۱]

قران، آن فریادگر توحید و آن منادی حق و عدل و حریت یعنی عقل کل و خاتم رسل و شمع سبیل حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است. (محمد کازل تا ابد هر چه هست - به آرایش نام او نقش بست) (چراغی که انوار بینش از اوست - فروغ همه آفرینش از اوست) همان فردی که فلاسفه و انسان شناسان جهان همه در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده اند

و با شبلی شمیم همزبان می گویند: (من دونه الابطال فی کل الوری - من حاضر او غائب او آت) همان بنیانگذار جامعه اسلامی و مبشر بزرگ ظهور حضرت مهدی علیه السلام آری همان کس را در مظهر مادی و زندگی، علی علیه السلام که از پیش از بعثت و در حال بعثت و بعد از بعثت با او بود و محرم اسرار و آگاه از پنهان و آشکار او بود چنین توصیف می نماید: فتاس بنییک الاطیب الاطهر صلی الله علیه و آله... و لقد کان صلی الله علیه و آله و سلم یا کل علی الارض و یجلس جلسہ العبد و یخصف بیده نعله و یرقع بیده ثوبه و یرکب الحمار العاری و یردف خلف... الی آخر الخطبه. [۳] تاسی کن به پیغمبر خوشبوتر و پاکتر صلی الله علیه و آله... بر روی زمین غذا می خورد و مانند برده می نشست و پارگی کفش خود را بدست خود می دوخت و بدست خود جامه اش را وصله می زد و بر مرکب بی پالان سوار می شد و کسی را هم ردیف خود می ساخت... تا آخر خطبه.

[صفحه ۳۲]

در سیره امیرالمومنین علی علیه السلام هم، جلوه های بسیاری است که همه آموزنده است و نشان می دهد چگونه مراقبت داشت که از مقام خود استفاده شخصی - هر چند خود اراده نکرده باشد - نبرد که این مقام و این منصب الهی باید در راه اطاعت خدا و خدمت به خلق قرار بگیرد. در یکی از خطبه های نهج البلاغه است که پس از آن سخنان مشحون از علم و حکمت و

معرفت، شخصی که تحت تاثیر آن علم بیکران و معارف بی پایان علوی قرار گرفت زبان به مدح و ثنای آن حضرت گشود و متواضعانه و با تعظیم، آن حضرت را مخاطب قرار داد. حضرت در بیانات مفصلی که فرازها و جمله های آن انسان را تکان می دهد به او تذکر داد که با من با این الفاظ سخن نگوئید و این چنین مرا مخاطب نسازید که من و شما همه بندگان پروردگار و خدائی هستیم که غیر از او خدائی نیست و [۴]... داستان آن مردمانی که به استقبال او آمده و برنامه ای را به احترام آن حضرت انجام دادند، معروف و در نهج البلاغه مذکور است حضرت از آنها پرسید: این چه کار و برنامه ای است؟ گفتند: روش و برنامه ای است که بعنوان تعظیم و احترام از امراء خود انجام می دهیم، فرمود: و الله ما ینتفع بهذا امرائکم، و انکم لتشقون علی انفسکم فی دنیاکم، و تشقون به فی آخرتکم و ما اخسر

[صفحه ۳۳]

المشقه ورائها العقاب، و اربح الدعه معها الامان من النار. [۵] سوگند به خدا حکمرانان شما در این کار سود نمی برند و شما خود را در دنیایتان به رنج و در آخرتتان با این کار به بدبختی گرفتار می سازید (چون فروتنی برای غیر خدا گناه و مستلزم عذاب است) و چه بسیار زیان دارد رنجی (فروتنی برای غیر خدا) که پی آن کیفر باشد و چه بسیار سود دارد آسودگی (رنج نبردن برای خوش آمدن مخلوق) که همراه آن ایمنی از آتش (دوزخ) باشد. همچنین حکایت آن شخص که در حالی که آن

حضرت سواره و در حال حرکت بود عرایض و مطالبی را که داشت به عرض رسانید پس از آن پیاده به احترام در رکاب آن حضرت می رفت، امام علیه السلام او را نهی کردند که این کار برای او ذلت و برای والی و حاکم فتنه است. بدیهی است که شخص آن حضرت از اینکه تحت تاثیر این برنامه ها قرار بگیرد و این برنامه ها، مقام و منصب او را عوض کند منزّه و مبرا بود. او آن علی بود که می فرمود: و الله لو اعطيت الاقاليم السبعه بما تحت افلاكها علي ان اعصى الله في نمله اسلبها جلب شعيره ما فعلته، و ان دنياكم عندى لاهون من ورقه في فم جراده تقضمها، ما لعلی و لنعیم یفنی، و لذه لا تبقی. [۶] سوگند بخدا اگر هفت اقلیم را با هر چه در زیر آسمانهای آنها

[صفحه ۳۴]

است به من بدهند برای اینکه خدا را دربارہ مورچه ای که پوست جوی از آن بریایم تا نافرمانی نمایم، نمی کنم و به تحقیق دنیای شما نزد من پست تر و خوار تر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آن را می جود، چکار است علی را با نعمتی که از دست می رود و خوشی که بر جا نمی ماند. بلکه برای سرمشق به دیگران و به هم نزدیک کردن راعی و رعیت و زمامدار و جامعه این برنامه ها را پیاده می کردند و این سخنان و تذکرات را می دادند مبادا در جامعه اسلامی کسی را جاه و مقام سست نماید. خطری که در اسلام به بزرگان و

همه صاحبان مقامات و زیر دستان از هجوم آن هشدار داده اند که حتی فرموده اند: لیس شیء اضر بالرجال من خفق النعال. چیزی ضرر زننده تر به شخصیتها از صدای کفش مردم که پشت سرشان می روند، نیست. در این رابطه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که کان یسوق اصحابه ابن اثیر می گوید: معنایش اینست که حضرت اصحاب خود را جلو می انداخت و از روی تواضع و فروتنی خودش پشت سر آنها می رفت واحدی را نمی گذارد پشت سرش راه برود. در این موضوع سخن بسیار است اما جهت اینکه سخن از این طولانی تر نشود به همین اندازه اکتفا می کنیم. کیست که اندکی مطالعه در تاریخ و سیره پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام داشته باشد و تفصیل بسیار از این حقایق را نداند؟ اینها که گفتیم از ویژگیهای جامعه اسلامی است که بشریت بطور متعالی در آن جامعه موعود جهانی به آن خواهد رسید.

[صفحه ۳۵]

پاورقی

[۱] سوره کهف آیه ۲۸.

[۲] رجوع کنید به اصول کافی، ط علمیه اسلامیة، ج ۳، ص ۳۶۱، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل الفقراء المسلمین.

[۳] نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۵۰۰، خطبه ۱۵۹.

[۴] نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۳۳۴، خطبه ۲۱۶.

[۵] نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۹۴، حکمت ۳۶.

[۶] نهج البلاغه فیض، ص ۷۰۵، خطبه ۲۱۵.

### حذف تجمل گرایی

در جامعه جهانی اسلام تجمل گرایی و افراط در مصرف و خوش گذرانی و تکلف در پذیرائی ها و میهمانیها و مراسم دیگر و لباس و پوشاک و مرکب و مسکن و...

مطروود است. اموری که در زمان ما عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عوائد از هزینه و مخارج است که حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می شود نیز رقابت در پذیرائی های کمر شکن رایج شده است، بطوری که مصیبت صاحب عزا دو چندان می شود - در حالی که هزارها جوان دختر و پسر بی همسر، بواسطه فقر از زندگی زناشوئی و تشکیل خانواده محروم هستند و مفساد اجتماعی گوناگون آن، سعادت همه جامعه و امنیت را تهدید می نماید، ملاحظه می شود که برخی مرفه هان در مجلل ترین هتل ها مبالغی که با آن می شود خانواده هائی را از فقر نجات داد صرف می نمایند، روشن است وقتی در جامعه این گونه امور افتخار و احترام آفرین باشد فسادهای بسیار گریبانگیر آن جامعه می شود.

[صفحه ۳۶]

تحریم اسراف و تبذیر و تشویق به اقتصاد و میانه روی و هدایت مردم به استفاده های صحیح از مال و سرمایه که موجب استحکام بنیان اجتماع و بی نیازی از بیگانگان می شود و تعالیم بسیار دیگر همه در کنترل این گرایش مردم به تجمل پرستی و حفظ اعتدال موثر است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است: نحن معاشر الانبياء و الاولياء براء من التكلف. [۱] ما گروه پیغمبران و اولیاء از تکلف بیزاریم. در سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ساده زیستن و دوری از تجملات حکایتهای آموزنده بسیار است که با توجه به آنها نمی توان کسانی را که تجملات خانه و اطاق و نیز محل کارشان بسا به

میلیونها بالغ می شود و در انواع تنوعات خارج از اندازه و غیر لازم و بلکه لغو با وسایل تفریحی و سرگرمی گرانبها غرق و غافل زندگی می کنند، برآستی تربیت شده مکتب آن حضرت شمرد. پیشوا و پیامبری که وقتی پس از بازگشت از سفر وارد خانه یگانه فرزند عزیزش - که از بس او را دوست می داشت هر وقت از سفری می آمد اول به دیدار او می شتافت و در هنگام عزیمت به سفر آخرین کسی را که با او وداع می کرد او بود - شد و به دیدار او رفت، پرده هائی که بر در خانه دختر عزیزش آویخته بود مشاهده کرد، از خانه بیرون آمد، وقتی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آن پرده ها را نزد آن حضرت می فرستند که به اهل صفا و یا فقراء بدهد، خوشحال و مسرور می شود و می فرماید: فداها ابوها. معلوم است چقدر به زندگی دور از تکلفات و ساده اهمیت می داده است. او همان بزرگواری است که وقتی با آن همه عظمت و شوکت و قدرت

[صفحه ۳۷]

مکه را فتح می کند در حالی که آن لشکر مجهز را - که از جهت تجهیزات و نفرات تا آن زمان شبه جزیره بخود ندیده بود - زیر فرمان داشت و همه اشراف مکه افتخار می کردند که از او مانند بزرگترین ابر قدرت ها با تشریفات و غذاهای رنگارنگ و سفره های گسترده پذیرائی نمایند، در چنین موقعیتی آن بنده خالص و خاص و متواضع خدا در آن روز بزرگ و تاریخی به خانه ام هانی دختر مکرمه



ابوطالب و خواهر امیرالمومنین علی علیه السلام می رود - که بر حسب بعض اخبار همان خانه ای است که معراج و عروجش به عالم بالا از آنجا واقع شد - وقتی وارد بر او شد و تقاضائی را که او در مورد پناهندگان به خانه اش داشت، پذیرفت. فرمود: هل عندک من طعام ناکله؟. آیا طعامی داری که از آن بخوریم؟ عرض کرد: لیس عندی الا کسره یابسه و انی لاستحیی ان اقدمها الیک. غیر از نان پاره های خشک ندارم و من حیا می کنم که با آنها از شما پذیرائی کنم. فرمود: هلمی بهن. همان نان پاره ها را بیاور. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن نان پاره ها را در مقداری آب تلیک کرد، ام هانی قدری نمک هم حاضر کرد سپس فرمود: هل من ادام؟. آیا نان خورش است؟

[صفحه ۳۸]

ام هانی عرض کرد: غیر از مقداری سرکه چیزی حاضر نیست، فرمود: بیاور آن را سپس آن را بر روی آن نانها ریخت و از آن میل فرمود، پس از آن حمد خدای عز و جل را بجا آورد و فرمود: نعم الادام الخل یا ام هانی لا یقفر بیت فیه خل. خوب نان خورشی است سرکه، خانه ای که در آن سرکه باشد خالی از نان خورش نیست. [۲] امیرالمومنین علی علیه السلام نیز همین سیره و روش را داشت، در وقتی که خلافت ظاهری هم در اختیار او قرار گرفت معاش و لباس و برخورداریهای او از دنیا همان بود که همه شنیده و خوانده اید. روزی احنف بن قیس بر معاویه وارد

بود، هنگامی که سفره انداختند در آن همه رنگ غذا دیده می شد که احنف از آنها تعجب کرد، از آن جمله یک رنگ غذایی بود که احنف آن را نشناخت، از معاویه پرسید، در جواب گفت: این روده های مرغابی است که از مغز آن را پر کرده، و با روغن پسته سرخ شده و شکر بر آن پاشیده اند، احنف به گریه افتاد، معاویه از سبب گریه او پرسید، گفت: بیاد علی علیه السلام افتادم که روزی در خدمت او مشرف بودم وقتی هنگام افطار شد از من خواست که در خدمتش باشم، انبانی سر به مهر نزد او آوردند، پرسیدم در این انبان چیست؟ فرمود: آردی است از سبوس جو، از سر به مهر بودن آن پرسیدم: فرمود، می ترسم حسن یا حسین آن را به روغن مخلوط نمایند [۳] علی علیه السلام خودش لباس خود را وصله می زد وقتی ابن عباس آن حضرت را در حال اصلاح کفش خود دید، به ابن عباس فرمود:

[صفحه ۳۹]

ما قیمة هذا النعل؟. این کفش چقدر قیمت دارد؟ عرض کرد: لا قیمة لها. بهائی ندارد. [۴] فرمود: و الله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا و اذفع باطلا. [۵] بخدا سوگند این کفش بی قیمت از امارت و فرمانروائی بر شما نزد من بهتر است مگر آن که حقی را بپا دارم یا باطلی را دفع کنم. یعنی این منصب و مقام وقتی ارزشی دارد که صاحب آن با آن اقامه حق و دفع باطل نماید، در جامعه موعود حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) نیز برنامه همین است و سیره آن حضرت

همین سیره است، در احادیث آمده است: ما لباس القائم علیه السلام الا الغلیظ و ما طعامه الا الجشب.[۶].

تذکر و رفع اشتباه

مفهوم این ویژگیهای جامعه اسلامی و سیره های حضرت

[صفحه ۴۰]

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام این نیست که نباید از نعمتهای الهی و جمال حیات دنیا که جلوه های آن بسیار است و بی شمار و بر جمال خداوند جمال آفرین دلالت دارند بهره گرفت یا بکار و فعالیت و سعی و عمل و تولید و زراعت و صنعت و علمی که جامعه به آن نیازمند است نپرداخت و غرائز و استعدادات را حبس و ضایع و معطل نمود و گوشه گیری و کم کاری پیشه کرد این افکار افکاری است که اسلام با آن به ضدیت برخاسته و با تعالیم آن سازش ندارد: در قرآن مجید می فرماید: (قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده و الطیبات من الرزق). [۷] بگو ای پیامبر چه کسی زینت های خداوند را که برای بندگانش آفرید و روزیهای پاک را حرام کرده است. و نیز می فرماید: (یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا). [۸] ای رسولان ما از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و عمل صالح انجام دهید. همچنین کار و زحمت و انواع مشاغل حلال برای توسعه بر عائله و بی نیازی از دیگران و هدفهای عالیتر مثل رسیدن جامعه مسلمان به خود کفائی و رفع وابستگی اقتصادی به کفار نه تنها ممنوع نیست، بلکه از عبادات و طاعات بزرگ است، خدای تعالی

[صفحه ۴۱]

در قرآن مجید می فرماید: (و

لله العزه و لرسوله و للمومنين). [9] عزت مخصوص خداوند و پیامبرش و مومنین است. بدیهی است یکی از موجبات مهم عزت و حفظ شرافت، استقلال اقتصادی و خود کفائی در همه شعب زندگی است، چنانکه از عوامل مهم ذلت، فقر و احتیاج به بیگانه است و باید هر مسلمانی برای مبارزه با این ذلت و حفظ آن عزت هر چه در امکان دارد تلاش نماید. حرص و فخر به مال و تجمل گرایی و حب دنیا که سر هر گناه است، غیر از کار و عمل به تعطیل نکشاندن قوا و استعداد است، و به عبارت دیگر، دنیا را برای دنیا، برای تکاثر و استکبار و استعلاء به هر شکل و صورت خواستن، مذموم و ضد ارزشهای والای انسانی است، اما دنیا خواهی برای مقاصد صحیح و هدفهای مشروع و خود کفائی شخصی و عمومی ممدوح و پسندیده است. برداشتهای نادرستی که از زهد و قناعت و توکل و دعا و زیارت و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام و انتظار ظهور و فرج و ثواب بسیاری از دعاها و اعمال نیک و آثار توبه و سایر این گونه اصطلاحات و اعمال مذهبی، بعضی به اصطلاح روشنفکر به مذهبی ها نسبت می دهند هیچ وقت در بین نبوده و سبب ایستائی جامعه و رکون و رکود و غرور نگشته و عرف اجتماع مذهبی همه را در جای خود شناخته است و اگر هم افرادی دیده شوند که این اصطلاحات را به مفهوم واقعی آنها شناخته باشند معدودند و روی برداشت آنها نمی توان داوری کرد، اینها همه در

[صفحه ۴۲]

نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه و مفهوم

خاص خود را دارند. هدف اسلام ساختن انسان الهی است نه انسان مال و نه انسان مقام و نه انسان ماشین و تکنولوژی و سایر مظاهر مادی، هدف انسانی است که همه اینها را بطور صحیح و مشروع به خدمت کمال انسانی خود بگیرد که همه مظاهر زندگی حتی جنگش و جبهه الهی داشته باشد. لتکون کلمه الله هی العلیا و کلمه الذین کفروا السفلی، اما تجمل گرائی همان است که هر کس می تواند نظایر آن را در خانه های شمال بعضی شهرها و تزئینات ظاهر و داخل آنها ببیند. حاصل سخن این است که راهها مشخص است و عرف مسلمان معنی لفظ زهد و قناعت و حرص و تکاثر و تجمل و اسراف و تبذیر و موارد دیگر را تشخیص می دهد و از مظاهر زندگی و خانه و ماشین و لباس و میهمانی و عزا و عروسی اشخاص، آن را که حاصل تربیت اسلامی و محبوب خدا است یا به آن شباهت بیشتر دارد و آن را که به تربیت غیر اسلامی و قارون مابی و طاغوت گرائی شبیه است می شناسد، و کار و عمل و تلاش و تولید و صنعت و اختراع و کسب های مشروع را با تکاثرهای قارونی و تشریفات طاغوتی اشتباه نمی کند. البته باید پیرامون تمام این مفاهیم و جنود عقل و جهل و تعلیمات قولی و عملی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام و مواضع آنها در مقامات و مواجهه با جریانها و جوه های مختلف همیشه تعلیم و تعلم ادامه داشته باشد و مکتب آموختن از آن

بزرگواران باز و مفتوح باشد و ما در اینجا از اطاله بحث بیش از این معذوریم.

[صفحه ۴۳]

پاورقی

[۱] بحار الانوار، ج ۷۰، ط بیروت، ص ۳۹۴.

[۲] معجم صغیر طبرانی، ج ۲، ص ۹۷.

[۳] نثر الدرر به نقل از اصل الشیعه و اصولها از آیت الله العظمی کاشف الغطاء.

[۴] من عرض می کنیم یا امیرالمومنین علی علیه السلام قربان خاک راه قنبرت و همه شیعیانت، آن کفش بی قیمت بود باین معنی که برای آن با جواهرات و اثمان جهان تعیین قیمت ممکن نبود ای کاش در برابر بذل جان برای من تشرف بوسیدن آن میسر می شد.

[۵] نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۲، خطبه ۳۳.

[۶] غیبه النعمانی، ط مکتبه الصدوق، ص ۲۳۳، باب ۱۳، حدیث ۲۰ و منتخب الاثر ص ۳۰۷، فصل ۲، باب ۴۲، حدیث ۳، ۲، ۱.

[۷] سوره اعراف آیه ۳۲.

[۸] سوره مومنون آیه ۵۱.

[۹] سوره منافقون آیه ۸.

## امنیت و صلح عمومی

امنیت و صلح واقعی و آرامش از ویژگیهای دولت آقا امام زمان (روحی لتراب مقدمه الفداء) است، خوف ها زایل می شود و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمان امان قرار می گیرد و در سراسر جهان امن عمومی حاکم می شود و اختناق و استبداد و استکبار و استضعاف که همه از آثار حکومتهای غیر الهی است از جهان ریشه کن می گردد و حکومتهای طواغیت به هر شکل و هر عنوان برچیده می شود. از اخبار و روایات استفاده می شود: که بواسطه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) راهها آن قدر امن می شود که احدی حتی ضعیف

ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می نمایند، از احدی به او اذیت و آزار نمی رسد.[۱].

[صفحه ۴۵]

پاورقی

[۱] مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۳۰۸، فصل ۲، باب ۴۳، حدیث ۲.

### شکوفایی وضع اقتصادی

در دولت آن حضرت وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته نعمتها فراوان و آبها مهار و زمینها آباد و حاصلخیز و معادن ظاهر می شود تا جائی که فقیری که از بیت المال چیزی دریافت کند باقی نماند، و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه عمومی مراجعه ننماید و اگر اتفاقا کسی مراجعه کرد به خود او می گویند هر اندازه نیاز دارد دریافت کند که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشیمان می شود و در مقام رد آن به خزانه بر می آید ولی از او قبول نمی شود.[۱].

[صفحه ۴۷]

پاورقی

[۱] مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۴۷۳، فصل ۷، باب ۴.

### همه خدا را می پرستند

از ویژگیهای ممتاز دیگر آن جامعه جهانی این است که همگان در آن موحد و خدا را به یگانگی پرستش می نمایند و شریکی برای او قرار نمی دهند، او را بی شریک و بی نظیر و واحد و یگانه و یکتا می شناسند.

وحده لا شریک له صفتش

و هو الفرد اصل معرفتش

شرک را سوی وحدتش ره نه

عقل از کنه ذاتش آگه نه

هست در وصف کبریا و جلال

شرک نالایق و شریک محال

تعالی الله یک بی مثل و مانند

که خوانندش خداوندان خداوند

[صفحه ۴۸]

منزه ذات او از چند و از چون

تعالی شانه عما یقولون

برای از ضد و ند و خویش و از کس

صفاتش قل هو الله احد بس

این یک امتیاز بزرگ و از ویژگیهای جامعه اسلامی است که در آن عصر عزیز همه افراد به آن ممتاز و سرفراز می باشند، همه حق را می



پرستند و در پرستش حق کسی و چیزی را شریک او نمی کنند توحید خالص و سره و پاک از هر شائبه شرک، حاکم می شود. یکی از جامعه شناسان معروف در کتاب خود (تمدن اسلام و عرب) می گوید: عقیده به توحید تاج افتخاری است که در میان ادیان بر سر دین اسلام قرار دارد. هر چند بر حسب قرآن مجید همه انبیاء دعوت به توحید داشتند و موحد بوده اند اما این جامعه شناس نظر به معتقدات جوامع فعلی بشری دارد که از طریق توحید منحرف و گرایش به شرک دارند که اگر دین آنها بر اساس توحید بوده است در حال حاضر بواسطه وقوع تحریفات، در این ادیان، به شرک گرائیده و موحد شمرده نمی شوند و این اسلام است که دعوتش به توحید خالص و پاک باقی مانده و پیروانش بر این عقیده ثابت و استوارند، و این فقط مسلمانها هستند که بانگ دلنواز و روح پرور و معراج آفرین توحیدشان در هنگام اذان بگوش جهانیان می رسد و این قرآن کتاب آسمانی مسلمانها است که اعلام می کند همه انبیاء به توحید دعوت

[صفحه ۴۹]

کرده اند: (و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت). [۱] و به تحقیق در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای یکتا را عبادت کنید و از (اطاعت) طاغوت دوری کنید. و می فرماید: (شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین و لا تتفرقوا فیه کبر

علی‌المشركين ما تدعوهم اليه). [۲] خدا شرع و آيينی که برای شما مسلمانان قرار داد حقايق و احكامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهيم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید مشرکان را که به خدای یگانه دعوت می‌کنی بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. کلمه توحید کلمه‌ای است که هیچ کس بشر را به کلمه پر بارتر و سازنده‌تر از آن نخوانده است، کلمه اخلاص، کلمه توحید، کلمه آزادی، کلمه برابری و مساوات، کلمه انسان، کلمه زمین و آسمان و کوهها و دریاها و ستاره‌ها و کهکشانها و عرش و کرسی و همه

[صفحه ۵۰]

موجودات و همه کلمات است. کلمه‌ای بود که از آغاز پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مردم را به آن دعوت فرمود: قولوا لا اله الا الله تفلحوا و تا پایان هر چه فرمود تفسیر و تبیین و شرح این کلمه بود، کلمه همه آنهاست که به اسلام گرویدند و خواهند گروید، کلمه اعلام عقیده به توحید و ایمان به خدای یگانه است. قرآن مجید در خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: (يا اهل الكتاب تعالوا الى کلمه سواء بيننا و بينکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شيئا و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله). [۳] بیائید به سوی کلمه‌ای که میان ما و شما مساوی و برابر است یعنی ما و شما و همه

را در یک خط و یکسان و مساوی قرار می دهد و آن این است که پرستش نکنیم مگر خدا را و چیزی را برای او شریک نگیریم. در اینجا چون می خواهیم ویژگیهای جامعه اسلامی را بشناسیم باید متوجه باشیم که توحید در عبادت و شریک برای خدا قرار ندادن به این است که خدا را به عبادتی که شرع دستور داده یا عبادیت و مناسبت آنها را با عبادت، خدا امضاء فرموده است عبادت کنیم و از انجام این عبادات برای غیر خدا و همچنین اعمالی که مشرکان به عنوان پرستش و عبادت مشرکانه انجام می دادند، اجتناب نمائیم، چنانکه باید از برنامه های عبادی صوفیه و مدعیان دروغین عرفان که از طریق اهل بیت و کتب حدیث

[صفحه ۵۱]

نرسیده، به عنوان انجام برنامه و وظیفه و پیروی از سران این طوائف خود داری شود، که این هم مرتبه ای از شرک است. و خلاصه اقتضاء توحید این است که، در تعالیم قرآن و احکام اسلام ذوب شویم و به هیچ جا و هیچکس و نقطه ای غیر از خدا و پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام توجه نکنیم، و در کار دین و برنامه های زندگی فقط به آنها اعتماد نمائیم، توجه نکنیم، و در کار دین و برنامه های زندگی فقط به آنها اعتماد نمائیم، ضمناً نباید تعظیم و احترام از شعائر و مشاهد و بیوت و مقامات انبیاء و اولیاء را که قرآن و سنت بر جواز و بلکه استحباب بسیار موکد - حتی وجوب آن دلالت دارند - با احترام و تعظیم از چیزها و اشخاصی که به

خدا استناد ندارند و کتاب و سنت آن را تایید نمی نمایند، اشتباه کرد، خانه های انبیاء و اولیاء و اماکن مقدسه از خانه هائی است که باید مورد احترام باشند و در آنها خدا یاد شود و تسبیح خدا گفته شود، چنان که آیه کریمه بر آن صراحت دارد: (فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال). [۴] در خانه هائی، خداوند اجازه داده آنجا رفعت یابد و نام خداوند یاد شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند. در روایات از طریق اهل سنت است که ابوبکر از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سوال کرد: آیا بیت فاطمه و علی علیهما السلام از این بیوت است؟ فرمود: از فاضل ترین آنهاست. نکته دیگری که در اینجا به آن اشاره می کنیم تا اهل انتظار فرج امام علیه السلام به آن هم توجه داشته باشند این است که توحید در عبادت مفهوم ابتدائی و شاید مطابقش پرستش نکردن به غیر از خدا و اخلاص در عبادت حق تعالی

[صفحه ۵۲]

است، اما بنظر وسیعتر توحید در عبادت و خلوص آن از هر شائبه، فرمانبری از خداوند متعال است به گونه ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطاعت خدا و به امر خدا و برای خدا است از احدی و مقامی به عنوان این که خود بخود یا طبق نظامات مختلف مستحق اطاعت است، اطاعت ننماید زیرا این استحقاق بابلذات و بنفسه برای خدا ثابت است و برای غیر خدا مثل انبیاء و ائمه هدی

عليهم السلام و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به طور عام، ولایت دارند نیز از این جهت ثابت است که اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است، در نتیجه اطاعت از طواغیت و سلاطین و هر حاکمی که ماذون من جانب الله یا ماذون از جانب ماذون من قبل الله نباشد خواه حکومت‌های استبدادی و فردی یا به اصطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد هیچ یک با توحید در اطاعت سازگار نیست و اگر نگوئیم همان شرک جلی در عبادت به مفهوم واضح و مصداق روشن آن است، نوعی شرک خفی است که با خلوص موحدین در توحید منافات دارد، و شاید این معنی از این آیه هم استفاده شود: (و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت) [۵] و به تحقیق ما در میان هر امتی رسولی را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) خدا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید. زیرا ممکن است گفته شود که از آن استفاده می شود که اجتناب از طاغوت به هر صورت و به هر شکل که اهم آن عبادت و اطاعت او است، مضاد عبادت خدا است، و مثل این آیه نیز ممکن است به همین

[صفحه ۵۳]

معنی دلالت داشته باشد: (و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين). [۶] امر نشدند مگر این که خدا را عبادت کنند در حالی که خالص کنندگان دین و اطاعت برای خدا باشند. و از این میان معنای تفسیری که از آیه شریفه ذیل شده است: (فمن كان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا

و لا یشرک بعباده ربه احدا). [۷] پسر کس به لقاء خداوند امیدوار است باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد. ظاهر می شود که فرموده اند: (و لا یشرک بعباده ربه) یعنی لا یشرک مع علی علیه السلام احدا فی الخلافه نه این است که مراد از رب در این جا امیر المومنین علی علیه السلام باشد چون اطلاق آن بر غیر خدا نیز جایز است، بلکه مراد از رب همان رب حقیقی همه، خداوند متعال است ولی چون غیر علی علیه السلام را با آن حضرت شریک در امر خلافت و واجب الطاعه دانستن، در طول اطاعت از خدا و موضوع آن قرار نمی گیرد - و اطاعت از غیر خدا است - با خلوص توحید خصوصا توحید در عبادت منافات دارد. و مثل این روایت نیز مسئله اطاعت از رژیمهای مختلف غیر مشروع را - اگر چه نظام اکثریت باشد - آشکار می سازد. حبیب سجستانی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که: خداوند متعال فرموده است:

[صفحه ۵۴]

لاعدبن کل رعیه فی الاسلام دانت بولایه کل امام جائر لیس من الله،... [۸] البته عذاب می کنم هر رعیت را که در اسلام ملتزم و متدین شود به ولایت هر پیشوای جائری که از سوی خدا نیست اگر چه آن رعیت در کارهای خود نیکوکار و پرهیزکار باشد، تا اخر حدیث. خلاصه از آنچه بیان شد معلوم می شود که در حکومت حقه امام عصر (ارواح العالمین له الفداء) و آن جامعه موعود اهداف زیر تحقق خواهد یافت: اولاً: در سراسر جهان خدا پرستش

می شود و از شرک اثری باقی نمی ماند. ثانیاً: اطاعت مختص به خدا و نظام الهی اسلامی و ولایت منصوصه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می گردد و این بساطهای مشرکانه رژیمهای گوناگون که همه از مصادیق آیه ذیل می باشند، برچیده می شود: (ان هی الا اسماء سمیتموها انتم و آباءکم ما انزل الله بها من سلطان). [۹] آنها (لات، عزی، منات) جز اسم هائی که شما و پدرانتان بر بتها نامیده اند، نیستند و خداوند هیچ دلیلی بر معبود بودن آنها نازل نفرموده است. بنابراین آیه فوق استفاده می شود که دین و اطاعت خالص برای خدا

[صفحه ۵۵]

می گردد و توحید در ولایت و حکومت و سلطنت و مالکیت، همه تحقق می یابد و عالم، عالم ظهور اسماء الحسنی مانند هو الولی و هو الحاکم و هو السلطان و هو المالک می گردد و ایمان همگانی به معنای له الحکم و له الامر و له السلطان ظاهر می شود، البته همه اینها معانی و اموری است که مومن به آن ظهور، باید تلاش کند خودش را مناسب با آنها و با الهام از آنها بسازد و در حد ممکن در جامعه ای که در آن زندگی می کند آن را پیاده نماید.

[صفحه ۵۷]

پاورقی

[۱] سوره نحل آیه ۳۶.

[۲] سوره شوری آیه ۱۳.

[۳] سوره آل عمران آیه ۶۴.

[۴] سوره نور آیه ۳۶.

[۵] سوره نحل آیه ۳۶.

[۶] سوره بینه آیه ۵.

[۷] سوره کهف آیه ۱۱۰.

[۸] اصول کافی، ط علمیه اسلامیة، ج ۲، ص ۲۰۶، باب فیمن دان الله عز و جل بغیر امام من

## قسط و عدل جهانی

بارزترین ویژگیهای آن جامعه موعود و دولت کریمه گسترش جهانی قسط و عدل است که در بیش از یک صد خبر به آن تصریح شده است. از جمله در بعض روایات به این لفظ: **یملاءها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما**. و به این لفظ: **یملاء الله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما**. و در روایاتی به این لفظ رسیده است: **بعد ما ملئت جورا و ظلما و در بعض دیگر به تقدیم ظلم بر جور**. این الفاظ مشهور و معروف است و علمای علم حدیث شیعه و سنی در احادیث بسیار روایت کرده اند و یکی از احادیث که مانند احادیثی که به آن اشاره شد مشهور نیست اما جالب و شایان توجه است، این عبارت است: **یملاء الله به الارض نورا بعد ظلمتها و عدلا بعد جورها**

[صفحه ۵۸]

و علما بعد جهل ها. [۱] خدا زمین را به وسیله حضرت مهدی علیه السلام پر از نور و روشنائی می کند بعد از تاریکی و ظلمت آن و پر از عدل می کند بعد از جور و ستم و پر از علم و دانائی می کند بعد از جهل و نادانی. البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که به آن در این حدیث اشاره شده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی های برق پیدا می شود نیست بلکه مقصود تاریکی هائی است که در آن روزگار در اثر دوری از معارف حقه و نداشتن بینش صحیح و گم کردن راه ارتباط



با خدا، جامعه به آن مبتلا می شود. چنانکه مقصود از نور هم نور حسی نیست بلکه نور معرفت خدا و پیغمبر و امام و درک حقایق و نور عقل و فطرت و وجدان است. و همچنین مراد از جهل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست بلکه مراد همین جهلی است که امروز بر دنیای علم و صنعت مستولی شده و روز به روز به افزایش است. و مراد از علوم، علوم حقیقه و دانائی ها و دانش هائی است که به انسان کمال می بخشد و او را از نظر به ظاهر این عالم به باطن آن می رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می گردد چنانکه در قرآن مجید می فرماید: (انما یخشی الله من عباده العلماء). [۲] همانا واقعیت امر این است که از میان بندگان خداوند، تنها اهل علم و معرفت، او را عبادت می کنند.

[صفحه ۵۹]

جز این نیست که می ترسند از خدا دانایان از بندگان. عدل و قسط از اموری است که همه افراد بشر به برقرار نمودن آن اظهار علاقه و میل می نمایند و بالفطره می خواهند همگان عادل باشند و به حکم وجدان خود نمی توانند حسن عدل و فضل شخص عادل را انکار کنند و اگر به زبان هم انکار کنند در پیشگاه وجدان به فضیلت آن اعتراف دارند. هدف از فرستادن پیامبران و نزول کتابهای آسمانی و قوانین و موازین محکم الهی بر حسب این آیه شریفه: (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط). [۳] به تحقیق پیامبران خود

را با ادله روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان عدل را نازل کردیم تا مردم به عدل بر پا گردند. بر پائی امور مردم به قسط است. عدل و قسط خواه آنها را مانند دو کلمه مترادف دارای مفهوم واحد بدانیم چنانکه بعضی از مفسرین و اهل لغت گفته اند و قسط را - مخصوصا در مواردی که به تنهایی استعمال شده است - به عدل معنی کرده اند چنانکه ظاهر آن هم همین معنی است، و خواه برای آنها - خصوصا در مواردی که با هم در کلامی آورده شده باشند - معنای مشابه و مرتبط بهم در نظر بگیریم هم شامل اعتدال و تناسب در سهام و حقوق و نظامات مالی و اقتصادی و اجتماعی است و هم شامل عمل به این حقوق و مقررات و تخطی نکردن از آنها و هم شامل حکم به این نظامات است، علی هذا حاکم عادل آن کسی است که نظاماتی را که

[صفحه ۶۰]

اجراء می نماید بر اساس قسط و اعتدال و تناسب مقرر شده باشد. اما اگر قانون، ضعیف و ناقص تدوین شده باشد مثل قوانین بشری، به کسی که آن قانون را اجراء می نماید عادل اطلاق نمی شود، عدل حاکم بدون عدل نون مفهوم پیدا نخواهد کرد همانطوری که عدل قانون نیز بدون عدل مجری مثمر ثمر نخواهد شد. انزال کتاب و میزان در آیه شریفه اشاره به قوانین کافی و جامعی است که بر انبیاء نازل شده و در هر جهت حقوق و مقرراتی که بیان نموده اند بر اساس قسط است. در دین اسلام چنان نیست که کسی

بتواند بگوید جائی که عدل راضی است قسط ناخشنود است - هر چند قسط را به معنی تعادل در نصیب و سهم بگیری - زیرا قوانین اسلام که به عقیده هر مسلمانی کامل و جهانی است، عدل در سهام و حقوق را رعایت کرده است هر چند در بعضی موارد نکته آن بر ما یا بعضی معلوم نباشد، بنابراین هر حاکمی که احکام اسلام را اجراء نماید و هر کسی حکم بر طبق موازین اسلامی بدهد حکمش به عدل است هم از این جهت که موازینی که بر طبق آن حکم کرده مطابق با قسط و عدل بوده و هم از این جهت که خودش در این حکم از قانون خدا منحرف نشده است. و خلاصه کلام این است که عدل و قسطی که حضرت ولی عصر صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهان را از آن پر می نمایند معلول اجراء کامل احکام اسلام است که یگانه راه رسیدن به عدالت اجتماعی صحیح است که با اجراء آن این مظاهر زرق و برق و بی کنترل مترفین و مرفهین از میان می رود و خصوصا امکانات دولتی بیت المال همه در اختیار نیازمندان قرار می گیرد.

[صفحه ۶۱]

پاورقی

[۱] کمال الدین ج ۱، ص ۲۶۰، باب ۲۴، حدیث ۵ و منتخب الاثر ص ۹۲، فصل ۱، باب ۷، حدیث ۲۴.

[۲] سوره فاطر آیه ۲۸.

[۳] سوره حدید آیه ۲۵.

### به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه

در اینجا بعلت طولانی شدن مقاله از بیان سائر ویژگیهای دولت کریمه و جامعه موعود معدوریم، می توانید با مراجعه به کتاب منتخب الاثر (تالیف حقیر) بخشهای دیگر از این ویژگیها

را بررسی فرمائید اگر چه در آنجا هم موفق به استقصاء همه ویژگیها نشده ایم. در پایان به عرض می رسانم که یکی از علل مهمی که موجب بوجود آمدن آن جامعه سالم است تکامل عقول و رشد فکری مردم است که با توجه باین ویژگی بسیاری از کمبودها و نواقصی که در اجتماعات کنونی است، مرتفع می شود، تنگ نظری ها و زور و زر اندوزی در چنان جامعه وجهه همت همه، یا بیشتر افراد نیست، زندگانی آنها در عین حالی که انواع تنعمات در اختیار افراد است، زندگی عقلانی و روحانی و انسانی است، همان اهداف و فضایی که امروز هم باید شیعیان آن حضرت و منتظران آن دولت به آن آراسته باشند و اگر این دعا را می خوانند: اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق اهله و تجعلنا فيها من الدعاه الي طاعتك.

[صفحه ۶۲]

خداوندا از تو خواستاریم دولتی گرامی که بوسیله آن اسلام و مسلمین را عزت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم به سوی اطاعت تو قرار دهی. عملاً رغبت خود را به برقراری آن دولت و علاقه مندی خود را به عزت اسلام و ذلت کفر و نفاق با حضور در صحنه های خدمت به اعلاء کلمه اسلام نشان دهند و دعوت براه خدا و دین خدا را قولاً و عملاً وجهه همت قرار دهند و طوری خود را بسازند و به قوت ایمان و صبر و ایثار و جهاد و تلاش بیاریند که از بوته

هر امتحان، بی غل و غش بیروت آیند تا از آنها باشند که مورد این بشارت بزرگ هستند: اولئك هم المومنون حقا و شيعتنا صدقا و الدعاه الى دين الله عز و جل سرا و جهرا. و هم اين بشارتها شامل حالشان باشد: طوبى للمتقين فى غيبته، طوبى للصابرين فى محبته، اولئك من وصفهم فى كتابه فقال: (الذين يؤمنون بالغيب... اولئك هم المفلحون). و عجل اللهم فى ظهور مولانا صاحب الزمان و اجعلنا من اعوانه و انصاره. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين. ربيع المولود ۱۴۱۲ لطف الله صافى گلپایگانی قم

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹